وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ سی ام | چهارشنبه۱۳ عقرب ۱۳۸۳ | ۲۰ رمضان المبارک ۱۴۲۵ - 3 November 2004

سرمقاله

گروگان گیری کارمندان ملل متحد در تعالیم اسلامی و در عرف افغانی
ص۲

افغانستان و تجربهٔ دموکراسی
ص۳

دولت آینده در دید صاحب نظران

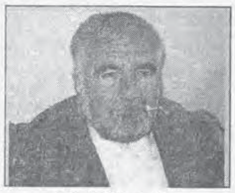
مردم افغانستان انتظار دارند که بدانند دولت آینده برای بهبود وضع زندگی آنان چه اقداماتی روی دست خواهد گرفت و چه اصلاحاتی را در سطح کشور روی کار خواهد آورد.

گزارشگر مجاهد در این مورد با شماری از استادان دانشگاه کابل گفتگویی انجام داده است که فشردهٔ آن را می خوانید.

عبدالعلی کوهی استاد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کابل:

جریان انتخابات برخلاف آنچه که رسانه ها تبلیغ می کردند خیلی ها موفقانه برگزار شد. هرچند از تخطی ها و دستبردهایی که در انتخابات وجود داشت نمی توان چشم پوشید ولی بیشتر این تخطی ها را ناشی از عدم تجربهٔ کافی افغان ها در انتخابات باید دانست.

مردم در انتخابات به شور وشوق زیاد به پای صندوق های رأی رفتند لذا آنها از دولت آیندهٔ خود توقعاتی زیاد دارند از آن جمله باید در قدم اول مشارکت ملی در دولت آینده مد نظر باشد و نهاد های مدنی تقویه شوند و همچنان در جهت وحدت ملی و فرهنگ سازی در بستر جامعه کار صورت گیرد. در دونیم سال گذشته حکومت های انتقالی و موقت ناتوانی هایی داشتند، توقع می رود که در دولت آینده چنین ناتوانی ها وجود نداشته باشد. دولت باید اتوریتهٔ خود را حفظ نماید و یک کابینهٔ متخصص به میان آورد و کار بازسازی نیز در افغانستان شتاب بیشتر پیدا نماید. خواستهٔ دیگر این است که در حکومت آینده باید در کارها شفافیت وجود داشته باشد و کار به اهل آن سپرده شود. همچنان در راستای دموکراسی و آزادی بیان کارهای اساسی صورت گیرد.
ص۶


پوهندوی عبدالعلی کوهی


پوهاند کاظم اهنگ


پوهاند بنوال

شیخ زاید بن سلطان آل نهیان امیر امارات متحدهٔ عربی درگذشت



تلویزیون ابوظبی اعلام کرد شیخ زاید بن سلطان به عمر ۸۶ سالگی شام سه شنبه ۱۳ عقرب ۱۳۸۳ درگذشت.

تا زمان تعیین رهبر جدید برای امارات متحدهٔ عربی شیخ مکتوم بن رشید، امیر امارت دوبی، ریاست موقت امارات را بر عهده خواهد داشت.

شیخ زاید مدتی بیمار بود و چهار سال پیش یک جراحی پیوند گرده نیز بروی انجام داد. شیخ زاید که نخستین رهبر امارات متحدهٔ عربی بود، این کشور را از چند منطقهٔ صحرایی قبیله یی به یک مرکز مالی نفت خیز وپر در آمد تبدیل کرد.

گفته می شود برای مردم امارات متحدهٔ عربی واژهٔ رئیس در مورد شیخ زاید پسندیده نمی کند.
ص۸

بررسی یک مطالبه
تقسیم قدرت بر اساس آرای مردم
ص۲

واقف حکیمی مسؤول دفتر فرهنگی جمعیت:

دولت آینده باید در چهارچوب قانون اساسی افغانستان در پهلوهای مختلف زندگی گامهایی بلند بردارد



برنامهٔ دری رادیوی مشهد شام روز دوشنبه میز گردی تشکیل داده بود که یکی از شرکت کنندگان آن واقف حکیمی مسؤول دفتر فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان بود. ما در این جا پاسخ های او را به نشر می رسانیم.

• مردم افغانستان از حکومت منتخب آینده چه انتظاراتی دارند؟

☐ بسیار واضح است که انتظارات مردم از دولت آیندهٔ افغانستان در شرایطی که ما به سر می بریم و افغانستان یک بحران بسیار طولانی وجنگ های فرسایشی را پشت سرگذاشته است خیلی گسترده می باشد.

به باور من حکومت آینده باید در باب مسائلی که در قانون اساسی افغانستان برایش مد نظر گرفته شده است، گام هایی بسیار جدی وبلند بردارد تا مردم مطمئن شوند که حکومت های منتخب با حکومت های شاهی و دیگر نظام های استبدادی و دیکتاتوری فرق دارند. کاری که حکومت آیندهٔ افغانستان باید انجام دهد این است که به زود ترین وقت زمینه را مساعد سازد تا انتخابات پارلمانی برگزار گردد.

مسألهٔ دیگری که باید حکومت آینده به آن بیندیشد، پاسخ گفتن به مردم می باشد. البته میکانیزم پاسخ گفتن به مردم هم همین چارچوب پارلمان است.
ص۶

سه نفر قاتل چینابیان به اعدام محکوم شدند

یازده تن از مهندسان دولت چین که مشغول کار بازسازی در جادهٔ بغلان – شیرخان بندر بودند، در ماه جوزای امسال در حالی که در زیر خیمه های شان به خواب رفته بودند توسط افراد مسلح تیرباران شدند. گفته شده است که این حمله از جملهٔ خونین ترین حمله بر کارمندان خارجی بعد از سقوط حکومت طالبان بوده است و حمله کنندگان از افراد جنرال محمداکرم بوده اند . بعد از این حادثه سه تن از حمله کنندگان بازداشت شدند.

یک دادگاه ابتدایی افغانستان برای سه تن ازاین متهمان به نام محمد اکبر و دو تن از همکارانش به نام های نورمحمد و محمد آصف حکم اعدام را صادر کرده است به گفتهٔ قاضی بختیاری هشت تن دیگر این متهمان که آنها نیز در قضیه دخیل بودند تا پانزده سال حبس محکوم خواهند شد .

به اساس گفتهٔ مقامات دیوان عالی افغانستان این افراد می توانند از دادگاه، تقاضای استیناف طلبی کنند و اگر درخواست آنها از طرف مسؤولان دیوان عالی رد شود حکم محکمه تنها با صدور فرمان منع اعدام این اشخاص از سوی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تغییر خواهد کرد.

فیلم ویدیویی ربوده شدگان پخش گردید



پنج شنبهٔ گذشته هفتم عقرب سال جاری سه تن از کارمندان سازمان ملل متحد که در پروژهٔ انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کارمی کردند، توسط افراد مسلح ناشناس، از ساحهٔ کارتهٔ پروان کابل ربوده شدند. گفته می شود که رایندگان، پنج نفر مسلح وملبس با لباس های نظامی بوده اند و این سه تن را با موتر شیشه سیاه به طرف غرب کابل برده اند.

یکی این سه تن یک مرد دیلمات فلیپینی ودو تن دیگر آنان دو زن ازشهروندان کوزوو وایرلند می باشند.

رسانه های خبری افغانستان گفته اند که دراثرتماس های تلفنی یی که با رایندگان بر قرار شده است به آنها گفته شده که گروهی به نام جیش المسلمین این گروگان ها را در اختیار دارند.
ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل - چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

گروگان گیری کارمندان ملل متحد در تعالیم اسلامی و در عرف افغانی

روز پنجشنبه گذشته ۷ عقرب گروهی که خود را جیش المسلمین خوانده است سه تن از کارمندان خارجی ملل متحد را که دو تای آنان زن هستند اختطاف کرد، هرچند سخنگوی گروه طالبان مسؤولیت این حادثه را به دوش نگرفت و از آن اظهار بی اطلاعی کرد و نیز گروه جیش المسلمین را قادر به انجام این عمل ندانست اما کسی به نام سیداکبر آغا رهبر گروه جیش المسلمین در تماس با رادیو بی بی سی مسؤولیت این کار را به عهده گرفت با وجود این ادعای جدایی میان گروه طالبان وجیش المسلمین، بسیاری از تحلیل گران این دو گروه را جدا از هم نمی دانند.

این کار را چه گروه طالبان انجام داده باشد و یا گروه جیش المسلمین و چه آنان یک گروه باشند یا دو گروه، در هر صورت نتیجه یکسان است و آن این که گروهی دست به این کار زده است که خود را مسلمان می خواند و این عمل را مبارزه در راه اسلام و جهاد می نامد!!

گروگان گیران تهدید کرده اند که اگر به خواسته های انان پاسخ مثبت داده نشود گروگانان را خواهند کشت. انان خواسته اند که همهٔ اسیران آنان و اسیران القاعده در افغانستان و گوانتانامو رها شوند.

این نخستین حادثهٔ گروگان گیری در شهر کابل پس از سقوط طالبان و دومین حادثه از این نوع در سطح کل کشور است که در حادثهٔ دیگر چندی قبل دو تن از مهندسان ترکی را طالبان در جنوب غرب به گروگان گرفته بودند که سپس آنان را رها کردند.

عاملان این گروگان گیری باید بدانند که این کار هم مخالف تعالیم اسلام و هم مخالف شیوه های مبارزاتی دوران جهاد وحتی شیوه های پیشین خود طالبان است.

این بسیار واضح است که وقتی لشکریان مسلمان به جهاد برضد ستمکاران می پرداختند پیامبر صلی الله علیه وسلم وسپس خلفای وی مجاهدان را از کشتن زنان وکهن سالان وکودکان وکاهنان و... برحذر می داشتند. مجاهدان در دوران جهاد در برابر شورویان نیز هیچ گاهی به چنین کاری دست نیازیدند حتی وقتی افراد دشمن را در میدان های نبرد دستگیر کردند نه تنها آنان را نکشتند که آنان را باحرمت و کرامت نگه داشتند و این شیوه موجب شد که بسیاری از آنان ایمان بیاورند و از بازگشت به شوروی وقت ابا ورزند. طالبان خود نیز از کشتن زنان کارمند خارجی شلترنو که متهم به تبلیغ مسیحیت بودند اجتناب کردند و آنان را در هنگام فرو پاشیدن نظام شان سالم رها کردند. همچنان با زن انگلیسی خبرنگار که به جرم مخفیانه وارد شدن به افغانستان در ولایت ننگرهار دستگیر شده بود، تا جایی برخورد انسانی کرده بودند که او را پس از رهایی به اندیشهٔ مطالعه دربارهٔ اسلام انداخت وسرانجام موجب مسلمان شدنش شد.

گروگان گیران باید توجه داشته باشند که با این عمل نه تنها کاری در جهت اسلام انجام نمی دهند که موجب خرسندی دشمنان اسلام این دین رحمت و مهر را فراهم می آورند، برای آنان که اسلام را دین خشونت وسنگ دلی معرفی می کنند دلیل وبهانه می سازند.

جمعیت اسلامی افغانستان این عمل گروگان گیران را محکوم می کند و آن را مخالف تعالیم اسلام وهمه ارزش های انسانی می داند. از گروگان گیران می خواهد گروگانان خود را بدون هیچ قید وشرطی رها سازند. از دولت و از همه کسان وجهات اثر گذار بر گروگان گیری می طلبد که از تمامی توان واثر خویش در جهت رهایی آنان کار گیرند.

بررسی یک مطالبه

تقسیم قدرت بر اساس آرای مردم

قابل توجه کاندیداهای محترم ریاست جمهوری!

محمد نسیم فقیری

یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری شام روز دو شنبه ۱۱ عقرب طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با سرویس دری رادیو بی بی سی گفت که به دلیل آرای مردم ــ ولو در یک سطح محدود ـ خواهان شرکت در قدرت می باشد.

این یک خواست و مطالبهٔ مهم است ولازم است تا از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد:

۱. در نظام ریاستی قدرت براساس آرای حاصله در انتخابات ریاست جمهوری تقسیم نمی گردد. بلکه رئیس جمهور- طبق قانون اساسی ما ـ با کسب حد اقل پنجاه ویک فی صد آرا برای یک مدت معین (پنج سال) انتخاب می گردد و به داشتن اکثریت پارلمانی نیاز ندارد.

۲. در نظام پارلمانی و آنهم قبل و یا در جریان انتخابات و یا پس از تشکیل پارلمان وقبل از رویکار آمدن حکومت و در صورتی که هیچ کدام از احزاب نتوانسته باشند اکثریت لازم را جهت تشکیل حکومت به دست بیاورند، آنگاه ضرورت می افتد تا ائتلاف تشکیل بدهند و این، زمانی مناسب برای قول و قرارها و معامله وتقسیم قدرت خواهد بود. طبیعی است که در همچو موارد به احزاب مؤتلف به تناسب کرسی های پارلمانی شان در حکومت سهم داده می شود. بنا بر این مطالبه و خواست شرکت در قدرت یک امر کاملاً مشروع و قانونی آنان است زیرا در ایجاد واسقاط حکومت از طریق رأی اعتماد و یا سلب اعتماد دارای نقش اساسی می باشند.

گفتنی است که احزاب مؤتلف معمولاً دارای برنامه های مشابه بوده و حتی بعضاً ـ در صورتی که قبل از انتخابات ائتلاف صورت گرفته باشد - دارای اهداف وبرنامه های واحد ویا مشترک می باشند.

۳. در نظام ریاستی ، کاندیدا ها با برنامه ها وخط مشی های مشخص ومتفاوت وحتی متضاد از یکدیگر به رقابت می پردازند وشرکت در این رقابت به معنی عدم پذیرش قیادت وبرنامه های رقبای دیگر است . بنابر این کاملاً نادرست ونا مناسب خواهد بود که یک کاندیدا به وزارت رقیب خود تن در دهد وبسیار تعجب آور وحیرت انگیز خواهد بود که آن را مطالبه نماید!

٤. مطالبهٔ وزارت در حکومت رقیب فقط یک دلیل می تواند داشته باشد و آنهم حرص داشتن به مقام ومنصب! و شخص حریص اگر نتواند به مقام بالاتر - ریاست جمهوری ـ برسد به مقام پائین تر ـ وزارت ـ قانع گردد.

واین بد ترین نوع حرص است که به شخصیت وآیندهٔ یک کاندیدا به عنوان یک فرد سیاسی، لطمه وارد می کند وبه حیثیت واعتبار او صدمه می زند.

۵. تقاضا یا پذیرش وزارت توسط یک کاندیدا در حقیقت جفا ونادیده گرفتن رأی واعتماد مردمی است که او را وبرنامه های اورا پسندیده اند ونه فرد برنده را. زیرا وزیر مکلف است که برنامه های رئیس جمهور را عملی وتطبیق کند ودر این صورت است که مردم حق دارند از او روگردان وبیزار گردند زیرا هرگاه برنامه های فرد برنده را می پسندیدند. به او رأی می دادند ونه به فردی که بالآخره بر رأی مردم پا گذاشته وبه وزارت رسیده است.

کاملاً نادرست ونا مناسب خواهد بود که یک کاندیدا به وزارت رقیب خود تن در دهد وبسیار تعجب آور وحیرت انگیز خواهد بود که آن را مطالبه نماید!

وسرنوشت ساز به سطح یک بازی محض برای کسب قدرت تنزل می نماید.

عیب بزرگ شرکت کاندیداها در کابینه این است که علاوه بر داشتن برنامه ها ونظریات مخالف از لحاظ روحی نیز برای کار یکدست و هماهنگ آمادگی نمی داشته باشند وقطعاً نمی توانند به حیث یک تیم - که لازمهٔ نظام ریاستی است ـ عمل نمایند. این کاندیداها در پست وزارت نیز احتمال دارد که مرتکب مخالفت و کار شکنی گردند وآرای به دست آمدهٔ شان را علم وعنوان نمایند وبا تکیه بر آن حکومتی را در داخل حکومت تشکیل بدهند.

۸ . فقط یک نمونه از تقسیم قدرت بر اساس آرای حاصله را در دوران جهاد داریم و آن فیصله و توافق قبلی رهبران مجاهدین در مورد ترکیب حکومت انتقالی بود که در سال ۱۳۶۷ در شورای مشورتی راولپندی شکل گرفت که فرد اول به ریاست دولت و دوم به صدارت ومتباقی به وزارت های از پیش مشخص شده راه یافتند.

۹. شاید یک نمونه ومثال در مورد وزیر شدن یک کاندیدا، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ جمهوری اسلامی ایران مشاهده گردد و آن آقای شمخانی وزیر دفاع آن کشور است . ایشان در حالی که وزیر دفاع بودند، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ با آقای خاتمی رئیس جمهور به رقابت پرداختند که در پی شکست در انتخابات دوباره به حیث وزیر دفاع در کابینه پذیرفته شدند.

در این مورد بخصوص باید گفت که نظام جمهوری اسلامی ایران را نمی توان ریاستی خواند بلکه نظامی مبتنی بر ولایت فقیه است ورهبر دارای صلاحیت بیشتر است ونه رئیس جمهور ورئیس جمهور ناگزیر است تا در همه موارد و به ویژه تعیین وز را طبق نظر و صوابدید مقام رهبری عمل نماید .

۱۰. هرگاه به این نتیجه برسیم که وزیر شدن یک کاندیدا از هرلحاظ مناسب وشایسته نیست ، پس کاندیداهایی که آرای قابل ملاحظه یی به دست آورده اند چه نقشی می توانند در صحنهٔ سیاسی کشور داشته باشند؟

این ها می توانند با مبارزهٔ اصولی ، قانونی وبرنامه ریزی شده برای آینده آمادگی بگیرند هرگاه شخصیت واعتبار خویش را حفظ نمایند وفقط در به دست آوری کرسی در تکاپو نباشند، به یقین که در انتخابات پنج سال بعد، شانس بیشتری خواهند داشت.

واما امروز بهتر و مناسب خواهد بود تا با تکیه واعتماد به آرای حاصله ، بازهم در میان مردم بمانند وبرای انتخابات پارلمانی آمادگی بگیرند زیر دغدغه وتشویش

٦. هرگاه آرای مردم صبغهٔ قومی یا مذهبی داشته باشد ، در آن صورت نیز شایسته نیست که کاندیدا به وزارت راه یابد بلکه افراد کار آگاه ودارای کفایت از همان قوم ویا مذهب در ترکیب کابینه در نظر گرفته شوند. مشروط بر این که با برنامه های رئیس جمهور موافق و به تطبیق آن متعهد باشند.

۷. هرگاه کاندیداها در ترکیب کابینه شامل گردند، معنی ومفهوم وارزش انتخابات ریاست جمهوری خدشه دار می گردد واز یک رقابت سالم ، مشروع ، جدی

تقاضا یا پذیرش وزارت توسط یک کاندیدا در حقیقت جفا ونادیده گرفتن رأی واعتماد مردمی است که او را وبرنامه های اورا پسندیده اند ونه فرد برنده را

ونگرانی اکثر شان این است که هرگاه در قدرت سهیم نباشند، از صحنه حذف می شوند ومردم آنان را فراموش خواهند کرد، پس با حضور در پارلمان می توانند در کنار حفظ شخصیت واعتبار خویش ، آینده های بهتری را انتظار داشته باشند وحتی اگر فقط حرص قدرت انگیزهٔ رقابت در انتخابات ریاست جمهوری بوده باشد، در آن صورت نیز باید بدانند که برای کاندیداهایی که برنده نشوند ، راه سهل واصولی و آبرومند رسیدن به ریاست جمهوری ، عضویت در پارلمان است ونه شمولیت در کابینهٔ رقیب .

افغانستان و تجربهٔ دموکراسی

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

انتخابات ریاست جمهوری برخلاف همه پیش بینی های دغدغه آفرین پیروزمندانه پایان یافت و مردم به دور از هر گونه هراس و ترس طرح شده توسط تحلیل گران نا آشنا به طبیعت وسرشت این جامعهٔ تازه هستی یافته در تحولات چند دههٔ اخیر تاریخ افغانستان برگزار شد و مردم با آرامی وهمراه با شور وشوق، به پای صندوق های رأی شتافتند و با این کار خویش ثابت کردند همان گونه که درجهت اشغال زدایی، دفاع از آزادی واستقلال خویش با انگیزه های دینی و غرور ملی، داخل کار زار شدند، در راستای عملی شدن هرگونه برنامهٔ برگرداندن اقتدار سلب شدهٔ ملت به او از هیچ چیزی دریغ نخواهند کرد تا مشارکت در امر تعیین سرنوشت سیاسی خویش را با انگیزهٔ پاسداری از کرامت انسانی و وقار ملی شان، عملاً به نمایش بگذارند.

بدون شک این اقدام مسؤولیت شناسانهٔ مردم افغانستان افزون بر آن که پدیده یی بود سرا پا نو و تازه، سیلی ردی بود بر گونهٔ آن رسم کهن در تاریخ استبداد کشور ما که همواره مردم را با اصدار دستور و فرمان از بالا مکلف به اجرای آن می دانستند، به عبارت دیگر مردم تنها مکلف بودند و حکمرانان به پندار حق حکمرانی، بر اریکهٔ قدرت تکیه می زدند.

اساساً فلسفهٔ وجودی نظام های مبتنی بر دموکراسی ومردم سالاری واندیشهٔ حاکم بر پی ریزی نظام های برخاسته از ارادهٔ مردم، همانا بازتاب دادن ارادهٔ آنان در نظامی است که آزادانه آن را برگزیده اند.

اکنون که مردم با مشارکت خویش در تعیین نظام سیاسی کشور، قدرت سیاسی را به کسی به حیث زعیم سیاسی آیندهٔ وطن سپردند، دوران آن فرا رسیده است تا زمینهٔ به میان آمدن وفعال شدن نهاد نظارت بر این قدرت سپرده شده به شخصی به حیث رئیس جمهور، آماده گردد تا دغدغهٔ اعمال دیکتاتوری در نقاب دموکراسی بار دیگر در اذهان آحاد ملت ـ با سابقه یی که مردم از دههٔ دموکراسی در تاریخ کشور شان دارند ـ تداعی نشود. زیرا "قدرت" بنا به گفتهٔ نظریه پردازان عرصهٔ سیاست، همواره تمایل به گسترش حوزهٔ تحت سیطرهٔ خویش دارد.

منتسکیو به این باور است گرچه قانون، حدود قدرت را معین می کند ولی از ابزارهای مناسب برای مقاومت در برابر آن برخوردار نیست او ضمن تأکید بر قانون مند بودن یک نظام به این باور است که هرچیزی را می توان باخودش کنترل کرد، یعنی مهار قدرت جز از طریق قدرت به چیز دیگری میسر نیست.

"نشاید کوفت آهن جز به آهن"

حال که زعامت سیاسی مورد گزینش مردم ـ با همه کاستی ها ونقص هایی که در این زمینه وجود داشت ـ به میان آمده است، مردمی که به جمهوری اسلامی طبق نخستین مادهٔ قانون اساسی به حیث نظام مبتنی بر دموکراسی ومردم سالاری رأی دادند، بی صبرانه ومشتاقانه چشم به راه آنند که نهاد نظارت کننده از قدرت ریاست جمهوری وحکومت چه وقت پا به عرصهٔ وجود می گذارد.

این انتظار بیشتر از آن جا سرچشمه می گیرد که در پراگرافی از مادهٔ یک صد وشصت قانون اساسی آمده است: "صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شورا به حکومت تفویض می شود..."

آری! با چنین پیش زمینه و پشتوانه یی برای قوهٔ مجریه، مردم چه اطمینانی خواهند داشت که با اراده وانتخاب آنان بازی نمی شود؟ زیرا دانشمندان سیاست چه آن هایی که چون هابز انسان ها را با سرشت گرگ بودن به خوانش می گیرند و چه آن هایی که چون جان لاک و روسو نوع انسان را خیراندیش عنوان می کنند همه با طرح قرار داد اجتماعی میان ملت وحکومت گران قدرت آن ها را مهار نمایند ویقیناً این قدرت مهار کننده در نهادی تجسم می یابد که همان نهاد پارلمان ویا شورای ملی است.

زیرا در روشنایی آنچه گفته آمدیم وتجارب گذشتهٔ حکومت داری، حکومت به دور از یک نهاد رسمی ونظارتی چون پارلمان که تاکنون به عنوان تجربهٔ موفق در راستای مهار قدرت عرض وجود کرده است، منجر به خودکامگی واستبداد شده است و به نام دموکراسی ومردم سالاری مردم وخواسته های آنان را بازیچهٔ امیال وخواسته های شخصی، گروهی و قبیله یی خود ساخته است.

اکنون که قوهٔ اجرائیهٔ کشور با چنین پشتوانهٔ قانونی به میان آمده است، هرگونه اهمال در فراهم نمودن زمینه های ظهور نهاد نظارت بر اجراآت قوهٔ مجریه، جز این که بازی با تجربهٔ جدید دموکراسی در این کشور بحران زده باشد برایند دیگری نخواهد داشت.

حکومت جدید- امید ها و نگرانی ها

سید ناصر تقدسی

حکومت ها به تناسب دموکراتیک بودن و مردمی بودن خود، در معرض آزمون ها و در برابر خواسته های مردم قرار می گیرند. به هر پیمانه یی که یک حکومت از متن مردم منبعث شده باشد و بر اساس آرای مستقیم مردم به وجود آمده باشد، به همان اندازه ملت از آن توقع کار و خدمت گزاری دارد، چون برای این کار به او رأی داده اند. در افغانستان همواره حکومت ها از راه زور، کودتا و خون ریزی به میان آمده اند. و ملت در ایجاد حکومت ها و دولت ها کمترین نقشی نداشته است!! از همین رو دولت های گذشتهٔ این کشور نه تنها گامی در مسیر آرزوهای مردم بر نمی داشتند که به محض پیروزی به سرکوب، ارعاب و حتی اعدام مخالفان خود نیز دست می یازیدند و از جمجمه های انسانهای بی گناه مناره بلند می کردند.

اما حکومتی که پس از انتخابات پرکم و کاست هژدهم میزان سال روان به وجود می آید، به دلیل آن که در نتیجهٔ انتخابات تشکیل می گردد و از حمایت مردم بر خوردار خواهد بود بایستی از حکومت های استبدادی پیشین متفاوت باشد، و در برابر خواسته های مشروع وقانونی مردم، احساس مسؤولیت نماید و با چالش هایی که در پیش رو دارد، فعالانه مبارزه نماید.

درست همان گونه که مردم ما با حضور میلیونی خویش در انتخابات هژدهم میزان سهم گرفتند، از دولت منتخب خود مطالبات و خواسته هایی نیز دارند که توجه و پاسخ به آنها وظیفهٔ اصلی دولت تلقی می شود، هر چند تمام هست و بود ملت ما در اثر سه دهه جنگ از میان رفته است و همه چیز باید سر از نو ساخته شود، ولی خواسته ها و انتظار های عمده و اساسی مردم از دولت جدید را در نقطه می توان خلاصه کرد:

تأمین نیازهای اولیه

مردم افغانستان چه در شهر ها و چه در روستا ها از ضرورت های نخستین زندگی مانند آب ، برق، راه ، بهداشت و ... محرومند لذا مردم از این حکومت انتظار دارند که نیازهای اولیهٔ زندگی شان را به هر نحو ممکن مرفوع کند و انان را از تنگنای زندگی بیرون نمایند.

تهیهٔ مسکن

نبود مسکن یکی از معضلات اساسی جامعهٔ ما به ویژه در شهر ها وپایتخت کشور است و جمعی کثیر از مردم از مشکل بی سر پناهی رنج می برند، و با برگشت مهاجران به وطن این معضل مضاعف خواهد شد. امروزه بخش بزرگی از مردم در شهر ها در منازل کرایی به سر می کنند و پرداخت کرایهٔ خانه به دلیل حضور چشم گیر انجوها و مؤسسات خارجی برای مردم بی خانمان قطعاً طاقت فرساست و کرایهٔ یک خانهٔ سه اطاقه متوسط در کابل به پنج تا ده برابر معاش یک کارمند دولت می رسد. و برخی از جاهایی که به مثابهٔ ملکیت عامه باید از طریق شهرداری استملاک و به بی سرپناهان توزیع می شد، یا توسط زورمندان و تفنگ به دستان غصب گردیده و یاهم ذریعهٔ کار داران رشوت ستان شهرداری کابل برای ثروت مندان و واسطه داران توزیع گردیده است.

بنا بر این انتظار مردم از حکومت پس از انتخابات این است که به معضل بی سرپناهی آنان رسیدگی کند و با طرح هایی سازنده و استخدام کارمندان نیک نام و دلسوز در شهر داری و وزارت شهرسازی ومسکن در رفع این مشکل اقدام نماید.

تأمین امنیت و کاریابی

آوردن امنیت، جمع آوری سلاح و فراهم آوری زمینه های کار برای جوانان بیکار و کسانی که به روند ملکی سازی می پیوندند، یکی دیگر از خواسته های جدی مردم است که حکومت جدید باید به آن توجه نماید؛ در غیر آن نه تأمین امنیت میسر خواهد بود و نه تشکیل یک نظام کارا و باکفایت.

تأمین حقوق شهروندی

برخورداری از حقوق مساویانهٔ شهروندی در تمامی عرصه های زندگی، یکی از ویژگی های جامعهٔ مردم سالار و اسلامی است، اما در کشور ما دولت های خود کامه و مستبد، همواره مردم را از این حق مسلم محروم کرده اند. از این رو مردم از دولت جدید توقع می برند که برای تمام ملیت ها و اقشار مردم زمینه های برخور داری از حقوق برابر شهروندی را مساعد بسازد تا هر کس حضور واقعی خویش را در همه عرصه ها لمس نماید، وچنین کاری بدون تردید یکی از مؤلفه های بسیار عمده و اساسی وحدت ملی نیز هست؛ چیزی که مردم ما از نبود آن به شدت رنج می برند.

توجه به جوانان

جوانان عناصر مهم جامعه و مایه های اصلی ساختار نظام و مدنیت می باشد متأسفانه در نظام های گذشتهٔ افغانستان نسبت به این طیف نه فقط توجهی نشده که پیوسته قربانی خود خواهی ها و خود کامگی های زمامداران نیز بوده اند، دولت جدید باید توجه به جوانان و حل مشکلات آنان در همه عرصه ها را در صدر فهرست کارهای خود جا دهد و از این نسل پر انرژی و با پشتکار در بازسازی افغانستان و ساختن نظام سیاسی بهره بگیرد.

توجه به معلولان

معلولان و معیوبان که قربانیان اصلی جنگ و خشونتند یکی از قابل ترحم ترین اقشار جامعه محسوب می شوند. آنان نیمی و یا قسمت هایی از پیکرهٔ خویش را در راه آزادی و استقلال میهن از دست داده اند و فرد فرد وطن مخصوصاً مسؤولان دولتی مدیون فداکاری های ایشانند. و لیکن تا کنون هیچ گونه توجهی به آنان صورت نگرفته است

ص۵

واژه های سیاسی (۲)

میر آقا حقجو

لیبرالیسم

لیبرالیسم در زبان ایتالیایی از کلمهٔ لیبرو به معنای "انسان آزاد" گرفته شده است و از لحاظ اقتصادی عبارت از نظریه یی است که خواهان حفظ درجاتی از آزادی دربرابر هر نهاد تهدید کنندهٔ آزادی بشر باشد. لیبرالیسم در زمینهٔ اندیشه های اقتصادی به معنای مقاومت در برابر تسلط دولت بر حیات اقتصادی ومقاومت در برابر هر نوع انحصار ومداخلهٔ دولت در تولید وتوزیع ثروت است " (۱)

لیبرالیسم سیاسی

لیبرالیسم به معنی سیاسی آن، از توسعهٔ اندیشه های سیاسی به وجود آمده است که ریشه های معنوی آن به "انسان مداری" و "عقل گرایی"، دکارت و "تجربه گرایی" فرانسیس بیکن و "روشنفکری دیوید هیوم". جان لاک، ژان ژاک روسو و اما نویل کانت در قرن های هفدهم وهجدهم بر می گردد.

لیبرالیسم سیاسی بر چار اصل استوار شده است، که این اصول معیاری برای خوشبختی انسان دررابطه با این سؤال به وجود آمده که "چه کار کنیم تا انسان به خوشبختی برسد؟"

یعنی بعد از آن که انسان گرایی یا اومانیسم Humanism به وجود آمد خوشبختی انسان ملاک همه چیز شد. در صورتی که قبل از آن در تکامل اندیشه های سیاسی در غرب، دورهٔ خدا مداری Dirinism بود ودر باب سیاست ودولت اعتقاد بر این بود که عملی درست است که خدا را راضی کند ولی در قرن ۱۴این مسأله به وجود آمد که ما ازکجا بفهمیم که خدا ازعمل ما راضی است؟. کلیسا گفته بود فهم این موضوع توسط روحانیون میسر است ولی در آن هنگام تعلیمات کلیسا وخود کلیسا زیر سؤال رفته بود.

حال از کی باید پرسید؟ همین معما بود که به پیدایش اومانیسم منجر شد، اینجا انسان به یک ملاک تبدیل شد. در ابتدا این حرف مطرح بود که رضایت انسان موجب رضایت خدا خواهد شد. اما بعد از مدتی قسمت دوم نیزحذف شد وفقط این شد که عمل درست چیزی است که انسان را راضی کند.

به این ترتیب سیاست به جای این که با رضایت خداسروکار داشته باشد با رضایت مردم سروکار پیدا کرد.

بنابر این هدف حکومت وسیاست در این مقطع رضایت انسان بود. وعقیده بر این شد که اگر در جامعه چار اصل رعایت شود جامعه خوشبخت است ورضایت انسان ها به دست می آید.

اصل اول ـ آزادی: آزادی به عنوان اولین شرط زندگی لذت بخش برای انسان است. این مسأله به صورت خیلی خام مطرح گردید وطولی نکشید که خود لیبرال ها پی بردند که آزادی هم باید شرایطی داشته باشد، زیرا آزادی بدون قید وشرط جامعه را به صورت نا برابر تقسیم می کند در این تقسیم آزادی به سود اقویا تمام می شود بنا بر این بر اصل آزادی اصل برابری نیز اضافه شد.

اصل دوم ـ برابری: این برابری هرگز در زمینهٔ اقتصادی سرایت نکرد بلکه تنها در زمینهٔ اجتماعی مطرح بود؛ برابری در برابر قانون، رأی دادن و...

ص۷

حجم هجران

عبد الشکور شریفی

پراست از نارسایی عزم میدانی که ما داریـــم
ندارد رنگ الفت عهد وپیمانی که ما داریـــم

نه رنگی از نوازش دارد ونی بوی آسایـــش
بنام زندگی تاریک زندانی که ما داریـــم

بود آلوده با خون هزاران آدم مـــــظلوم
بروی سفرهٔ خود لقمهٔ نانی که ما داریـــم

زسیلاب مفاسد هیچ آسیبی نخواهد دیـــد
به پر هندوکش مرصوص پیمانی که ماداریم

شبی بگذشت وزپر حجم هجران خون دل خوردیم
چه حالی دارد ای آیینه جانانی که مـا داریم

گلی می آرم از زنگین بهار گلشن بیـــــدل
بود مرهون فیضش این گلستانی که ما داریم

نمی دانم چسان از شرم نادانی برون آیـم
به زنار آشنا ناگشته ایمانی که مـــا داریم

شده بازیچهٔ روزو شبان لشکر ابلیـــــس
شریفی نفس های رو به طغیانی که ما داریم

رمضان

محمد اکرم وفادار

بیا د سره په خیر راغی رمضان
زیری یوبل لره کاندی مومنان
میاشت دصبر حوصلی، پرهیزگاری ده
په تقوا سره پوره شی دا آرمان
ثه عظیم فضیلت خدای پکښی پیبلی
په دارا او په نادارو ده یوشان
مسکینان دخدای دوستان دی دی دنیا کښی
په ورځ صبر کړی ماښام ئی کړی مهمان
فرښتی ورته راولیږی مومن ته
سوال ئی واوری روژه دار چی کړی بیان
دقبول ناره غوړونو باندی واوری
په اخلاص چی ایمان څوک لری پنهان
ستر علاج دی د امراضو په دنیا کښی
په تلوار تلوار ئی وائی طبیبان
فضایل ئی بی حساب دی وفاداره
قلم نلری هیڅ توان ئی دبیان

د ړوندو ښار

سورګل- خزان

څنګــــه کـــږه وږه دنیـــا ده دلتـــه
دلتــه مخلــص او چلبــاز یــو شـــانته دي
څنګـــه ســـږه ســـپیره فضـــا ده دلتـــه
دلتــه تیــوس او شــهباز یــو شـــانته دي
څنګـــه تیــاره شـــانته دیـــار دي دلتـــه
څـــوک د انصـــاف تلـــه تللـــي نشـــي
څـــه عجیبـــه د ړونـــد ښـــار دي دلتـــه
جســـت لـــه ســـرو زرو بیلـــولي نشـــي
ســـترګي بینـــا دي خـــو لیـــدل نشـــته دي
د تـــور او ســـپینو فـــرق کـــولي نشـــي
د ښـــو او بـــدو پیژنـــدل نشـــته دي
دروغ او ریښتیـــا معلومـــولي نشـــي
ژبـــي ګویـــا دي حـــق ویـــل نشـــته دي
خدایـــه تیـــاره زړونـــه رڼـــا کـــړي زمـــوږ
غوږونـــه شـــته خـــو آوریـــدل نشـــته دي
د بصـــیرت ســـترګي بینـــا کـــړي زمونـــږ
دلتـــه اغیـــار او ایـــازیو شـــانته دي
ودانـــه بیـــا ، ورانـــه دنیـــا کـــړي زمونـــږ
دلتـــه غمـــاز او همـــراز یـــو شـــانته دي
داوچـــي شـــونډي پـــه خنـــدا کـــړي زمونـــږ

حرص او قناعت

ش - زیارمل

وائـي يـو پاچـاه يـوه ورځ دسـيل او تفـريح لپـاره خپـل شـاهي بـاغ تـه ننـوت او خپـل بـاغوان تـه ئـي وويـل چـي څـو دانـي خـواږه انار ورته راوشکوي. بـاغوان لـه يـو بـوټي څخـه انار وشکول، خـو کلـه ئـي چـي باچـا تـه مـات کړل انار تـروه وو. باچـاه پـه غوسـه ورتـه وويـل ته څنګـه بـاغوان ئـي چـي تـر اوسـه خـواږه او ترخه انار نه پيژنـي؟ بـاغوان ځـواب ورکـړ چـي په تيرو پنځـه ويشـتو کـالو کـي مـی د باچـاه لـه اجـازي پرتـه نـه انـار شـکولي او نـه مـي دهغـه مزه څکلي ده نو څنګـه بـه وپوهيـږم چـي خـوږ کوم دي او تريو کوم دي.

پاچـاه د بـاغوان پـه خبـره خوشـحاله شـو او دهغـه د صـداقت، ايمانـداري او امانتـداری دسـتايني پـه خـاطرئي ورتـه يـو مـوټي طـلا ورکـړي. اوس راشـئ او وګـورئ چـي د پاچـاه ځينـي نـوکران پـه ځينـو دولتـی ادارو کـی اوښ له باره سره پـه بـدو وهـي او دانـي شـعار دي چي«میم زرما توله زما»

موږ د خپـل تيـر ژونـد پـه اوږدو کـي ځينـي داسي کسان وليـدل چـي لـه دولتـي چوکيـو او لـه دولتـي امکانـاتو څخـه يـواځي دخپـل شخصـي ژونـد دسـمون لپـاره ناجـايزه ګټـه اخلـي. نـه دهيـواد او هيوادوالـو دسـوکالی لپاره. دغـه راز کسـان د دنيـا مينـي او حـرص ليونتـوب تـه رسـولي او فکـر کـوي چـي څـوک ئـي نـه وينـي او څـوک ئـي پـه کـړو وړو نـه پوهيـږي، دوي تـل دعامـه خلکـو سـترګوته خـاوري شـيندي، چـل ول او تکـي کـوي، لـه خپلـو همکـارانو او نـژدي ملګـرو سـره هـم د دوکه کولـو او اسـتثمارولو لـه طريقـو څخـه کـار اخلي. که دري کـوره لـري، نـو څلـورم تـه ئـي هم خان کانديد کـړي وي. کـه څلـور ځلـه ئـي بهرنيـو هيـوادو تـه بـورس ترلاسـه کـړي وي نـو د پـنځم ځـل لپـاره هـم د نـورو لاس لانـدي مامورينو دحـق خوړلوتـه تيـار ناسـت وي. کـه د ناوړه استفادي يوه لاره پـري بنـده شـي نـو بيـا د خپلـي خيرکـي لـه مخـي سملاسـي بلـه لاره پيدا کـوي نـه پـه څـه مريـږي او نـه ئـي د بـي جلبـه حـرص تنـده ماتيـږي. ماتـه ددغـه راز حـريص پـه بـاب دشـاعر شـعر را پـه زړه شـوچي وائي:

دقانـــــع دوډی پخـــــه ده
لاس ئي ډک خوله ئي خـوږه ده
دحريص کاسه چـــــــپه ده
لاس ئي تش خوله ئي سپيره ده

يـو متـل دي چـي وائـي: «غـل سـل کـوره وران کړل خـو خپـل يـو کـورئي جـوړ نـه کـړ» زه فکـر کـوم چـي دغـل او دحـريص دواړو يـو حالـت دي کـه حـريص پـه څـه نـه مريـږي او قناعـت ئـي پـه لغتـه وهلـي دي نـو دغـل لاس هـم نـه دريـږي او هرڅـه ئـي چـي لاس تـه ورځـي هغـه خپـل کورتـه رسـوي خـو چـا کلـه هم د کوم غله لـوړ پـوړي مـاني ونـه ليـده، تـل په ويـره او ډارکـي ژونـد کـوي، لـه خلکـو مـخ پټوي، لـه آبـادی تښتـي، سـرېټوب ئـي نيمګـړي او حيثيـت ئـي بـايللي وي نـو ښـه بـه داوي چـي دولتـي غلـه او حريصـان دخپـل بـايللي حيثيـت او سـرېټوب دبيرتـه ترلاسـه کولـو لپـاره نـوي فکـر وکـړي قناعـت تـه مخـه کـړي، لـه دوکـي او غلـوني نـه لاس واخلـي او لږڅـه د سـتر صـوفي او نوميـالي متصـوف شـاعر رحمـان بابـا لاره خپلـه کـړي چـي قناعـت تـه ئـي سـتر مقام ورکړي او وويلي ئي دي:

قناعت مي ترخرقي لاندي اطلس دي
پټ د درست جهان پاچا ظاهر ګدايم

داريږم چي حريصان پـه پـاي کـي پـه خپـل سوزنده حرص کي لولپه نشي

وائـي يـوه ورځ دحضـرت سـلطان محمـود غزنوي قبر ته يـو څـوک د زيـارت کولـو لـه پـاره ورغي چي زيـارت تـه د ورتـګ او لـه هغـه سـره د زړه خوالـه ئـي پـه خپـل شـعر کـي داسـي بيان کړي دي:

رفتم سرتربت محـــــــمود غني
ګفتم چه برده ئي زدنيـــــاي دني
ګفت دوګز زمين و ده ګز کرباس
تو نيز همين بري ګر صد چومني

لـوي خـداي«ج» دي حريصـانوته قناعـت په نصيب کړي کـه نـه نـو دنيـا خـو بـه ئـي پـه حـرص او بـي خايـه لاس وهنـو کـي تيـره شـي او پـه قيامـت کـي بـه هـم ورتـه دبـي خايـه حرص حريصه برخه ورسيږي.

خدایا

محمد صابر یوسفی/ کندز

خدایا این چه محشر شد خدایا
چمن بی روح وبی بر شد خدایا
به صحرا ها فرو افتاد آتش
غم جنگل فزون تر شد خدایا
سکوت تلخ در این ناکرانه
چنانک بال گستر شد خدایا
که مرغان خسته و دل گیر باشند
کبوتر ها غمین تر شد خدایا
شبی در رهگذار باد پائیز
گلاب سرخ پرپر شد خدایا
پرستوی قشنگ من مهاجر
به کشور های دیگر شد خدایا
رها تا مرزها از چشم من دور
مسلمان بود کافر شد خدایا
غزال آرزوهای درازم
بیابان گرد وبی سر شد خدایا
فضا خاکستری آید بچشمم
مگر خاموش مجمر شد خدایا
دل عاشق نواز من درین دشت
غزال ناز پرور شد خدایا
به آهنگ غمین کوچ و هجرت
لب دریا چه ها تر شد خدایا
دلی با وسعت غم های بسیار
به خار وخاک وخنجر شد خدایا
سحر آبستن فریاد ها نیست
کز آن گوش دلم کر شد خدایا
طلوع وروشنی پدرود گفتند
فضا خاکستری تر شد خدایا
دو چشم یوسفی زین ماجراها
چو آن دریای بی سر شد خدایا

کشتی دولت آینده در امواج چالشها

وحید مژده

شمارش آرای انتخابات به پایان رسید و آقای کرزی با دستیابی به بیشترین آرا به عنوان رئیس جمهور منتخب برگزیده شد.

این نتیجه قبل از انتخابات نیز قابل پیشبینی بود و اگر آقای قانونی در این انتخابات شرکت نمی داشت، انتخابات شکل مسابقه یی با یک اسپ را به خود می گرفت. قانونی هرچند شکست خورد اما با شرکت در انتخابات، به گرمی این نمایش و به تعبیری به مشروعیت این انتخابات افزود.

آقای کرزی نباید گمان کند که مردم با رأی خویش، کارنامهٔ سه سال گذشتهٔ وی را تأیید کردند. آقای کرزی نباید آرایی را که مردم به صندوق او ریختند، نشانی از اعتماد مردم به برنامه های گذشتهٔ خویش تلقی کند. مردم رأی دادند تا آیندهٔ بهتری را شاهد باشند و کرزی باید تلاش های آیندهٔ خویش را در این جهت سازمان دهد.

مردم می خواهند تا در قدم اول میکانیزمی به وجود آید تا خدمتگزاران واقعی این ملت و این کشور مورد تشویق و تقدیر قرار گیرند و چپاولگران و دزدان بیت المال و کسانی که نظام اداری این کشور را به فساد کشانیده اند در هر مقامی که باشند، شناسایی و مورد بازخواست جدی قرار گیرند. دولت در طول دوران موقت و انتقالی به این عذر که کشور در حالت غیرعادی قرار دارد، از برخورد با این پدیدهٔ ناگوار در حال گسترش پرهیز داشت و نتیجه آن شد که رشوه و فساد اداری به شکل بسیار بی سابقه افزایش یافت و این نتیجهٔ طبیعی هر نظام اداریی است که در آن مجازات و مکافات وجود نداشته باشد.

گفته می شود که میلیارد ها دلار کمک جامعهٔ جهانی به کشور ما هزینهٔ بازسازی شده است ولی در این مورد شفافیتی لازم وجود ندارد و مردم نمی دانند که دقیقاً چه مقدار کمک صورت گرفته و در کجا به مصرف رسیده است. وزیر پلان مدعی است که بخشی از این کمک ها که در اختیار ان جی او ها قرار گرفته، حیف ومیل شده است. او از انجوییزم به عنوان یک فساد بزرگ مالی در کشور نام برد و خواستار مبارزهٔ قاطع با آن گردیده است.

اگر دقیق بنگریم، فساد می تواند علت العلل بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی باشد. اگر نیروهای امنیتی به فساد ملوث باشند، نمی توان امیدی به تأمین امنیت داشت. اگر سیستم قضایی کشور اصلاح نشود، نباید انتظار تأمین عدالت را در جامعه داشت، اگر کمک های جامعهٔ جهانی به جای این که صرف بهبود این ملت بلاکشیده و زجر دیده گردد، توسط ان جی او ها حیف ومیل شود اگر تلاشی در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور به عمل نیاید، تهی دست فقیر تر و ثروت مند با استفاده از امکانات نامشروع، ثروت مند تر خواهد شد. به این ترتیب تحقق دو وجیبهٔ عمده که باید هر دولت در برابر شهروندان خویش به آن متعهد باشد، برقراری صلح و امنیت و بهبود وضع اقتصادی ممکن نخواهد شد. به بیان قرآن، أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف. نجات از گرسنگی و تأمین امنیت.

هرچند امروز در کشور اساس اردو و پلیس ملی نهاده شده است اما مشکل عدم امنیت همچنان پا برجاست. اختطاف سه تن از کارمندان سازمان ملل متحد در کابل با وجود تدابیر شدید امنیتی نشان می دهد که گروه هایی وجود دارند که در صدد الگو برداری از تجارب خشونت ها در عراق اند.

به گزارش وزیر امور داخله در سال گذشته از مجموع یک صد هزار هکتار زمین زیر کشت کوکنار، دولت موفق به از میان بردن فقط چهار هزار هکتار زمین از کشت آن شد. در حالی که تقاضای جامعهٔ بین المللی از ما خیلی بیشتر از این هاست. وزیر داخله مدعی است که قوماندانان محلی و افراد با نفوذ در دستگاه دولت، در تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور دست دارند که اگر جلو آنان گرفته نشود، سیمای افغانستان در سطح جهانی بیش از پیش خدشه دار خواهد شد.

آقای کرزی در تلاش برای دستیابی به این اهداف به یک تیم کاری نیازمند است. اما انتخاب این تیم کاری نیز خود چالش دیگری فراراه اوست. او به تیم کاریی نیازمند است که در کنار بهره مند بودن از تخصص، از تعهد خدمت به این کشور نیز برخوردار باشد. در این عرصه تنها تخصص کافی نیست. می توان یک متخصص خارجی را نیز برای کار استخدام نمود اما در قانون هیچ کشوری استخدام یک خارجی هرچند هرقدر در رشته یی اهل تخصص هم باشد، در پست های بالایی چون وزارت مجاز نیست و این یک حقیقت قبول شده است که خارجی را فاقد تعهد به کشوری بدانند که در آن مشغول کار است.

آقای کرزی نباید گمان کند که مردم با رأی خویش، کارنامهٔ سه سال گذشتهٔ وی را تأیید کردند. آقای کرزی نباید آرایی را که مردم به صندوق او ریختند، نشانی از اعتماد مردم به برنامه های گذشتهٔ خویش تلقی کند. مردم رأی دادند تا آیندهٔ بهتری را شاهد باشند

در بسیاری از کشور ها، اتباع کشور در صورت داشتن همسر خارجی از کار در پست های بالای دولتی محرومند و در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ ما هم موضوع به همین شکل بود. اما با تحولات بیش از دو دههٔ گذشته که جمع کثیری از مردم ما ناچار به هجرت به کشور های خارجی شدند، مسألهٔ داشتن دو تابعیت مطرح شد.

در لویه جرگهٔ قانون اساسی همین موضوع بحث های بسیاری را برانگیخت و سرانجام به شکلی راه حلی برای آن سرهم کردند اما مسألهٔ تعهد یا تخصص همچنان لاینحل باقی است.

سوال این است کسی که دارای دو تابعیت است، به کدام یک از دو کشور متبوع خویش احساس تعهد بیشتر دارد؟ یک راه برای درک این مسأله این خواهد بود که بگوییم در جایی که خانوادهٔ یک شخص زندگی می کند و حاضر به ترک دایمی آن محل نیست، کشور متبوع اصلی باید به شمار آید. برای چنین شخصی، کشوری که در آن مشغول کار است، کشور دومی است. مانند کارکنان سازمان ملل یا مؤسسات غیر حکومتی خارجی. برای آنها کشور محل کار فقط محل پول ساختن است. چنین اشخاص می توانند مشوره بدهند ولی قرار دادن آنان در شرایطی که تصمیم گیرندهٔ اصلی خود آنان باشند، مشکل آفرین خواهد بود.

آقای کرزی مشکل کابینهٔ فعلی را در تحمیلی بودن آن می دانست و می گفت که این کابینه را کنفرانس بن بروی تحمیل کرد و او با اکثر اعضای کابینهٔ سابقه آشنایی قبلی نیز نداشت. اکنون باید دید که کابینهٔ جدید آقای کرزی با چه ترکیبی به میان خواهد آمد و با مشکلاتی که مختصراً برشمردیم چگونه مقابله خواهد کرد. آیا کشتی دولت آینده توان مقابله با امواج سهمگین این چالش ها را خواهد داشت یا نه؟

حکومت جدید- امید ها ...

و زمانی که به حقوق ماهانهٔ ایشان بنگریم به دریای تأثر فرو می رویم، طبق تعامل موجود در وزارت شهدا ومعلولین برای آنان ماهانه فقط بین سه الی چهار صد افغانی پرداخته می شود و آنهم یک معلول باید چند برابر آن را مصرف کند تا آن را به دست بیاورد! دولت جدید وظیفه دارد در این زمینه به طور جدی توجه کند و به حال معلولان بیچاره و بی بضاعت ترحم نماید.

اصلاح سیستم عدلی و قضایی

اگر چه تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی به اصلاحات نیاز دارد و تشکیلات متورم اما نا کار آمد ادارات دولتی به هیچ صورت برای اقتصاد ورشکستهٔ افغانستان قابل تحمل نیست و این مسأله ایجاب می کند که روند اصلاحات همه وزارتخانه ها و ادارات مستقل دولتی را تحت پوشش قرار دهد. اما در این میانه اصلاح نظام عدلی و قضایی از اولویت های جدی رفورم و اصلاحات است، در مربوطات ستره محکمه ولوی سارنوالی نظم انسلاک و شایسته سالاری به پیمانه هایی بلند برهم خورده است و اگر به سر وقت این دو ادارهٔ بیمار رسیدگی نشود، به زود ترین فرصت به پرتگاه مرگ سقوط خواهند کرد . از همین جهت همه مردم انتظار دارند که دولت جدید با اصلاح این سیستم مهم وحیاتی از تخلف ها، قانون شکنی ها و شیوع جرایم و فساد جلوگیری نماید.

اینها همه چشم داشت هایی است که مردم از حکومت پس از انتخابات دارند، اما این دولت با انبوهی از چالش ها و موانع رو به رو خواهد بود که اگر پیش از پیش برای از بین بردن آنها راهچاره یی نسنجد، آرزوها و مطالبات مردم همچنان تحقق نیافته باقی خواهد ماند.

عمده ترین چالش ها

عمده ترین چالش هایی که فرا روی حکومت جدید قرار دارد عبارت است از:

وجود عناصر بروکرات و رشوه خوار در نظام دولتی

بروکراسی، رشوه خواری و خویش خوری و یروس هایی خطرناک است که هر نظامی را از درون بیمار می کند و به گونه یی تدریجی آن را به سوی فروپاشی سوق می دهد، متأسفانه که هر سه عنصر بالا در سال های اخیر در داخل نظام دولتی ما نفوذ کرده و آرام آرام به اوج خود رسیده است، و اگر دولت نو برای استئصال این میکروب های کشنده اقداماتی روی دست نگیرد، موفق به ایفای هیچ وعده یی نخواهد شد.

حضورروز افزون طالبان والقاعده

با گذشت هر روز حضور نیروهای به ظاهر پراگندهٔ طالبان و القاعده در کشور افزایش می یابد و عملیات تخریبی و آدم ربایانهٔ آنان از مرز و لایات جنوبی و جنوب شرقی تجاوز کرده و به داخل پایتخت که گمان برده می شود با امن ترین جای افغانستان باشد کشیده شده است، این مسأله می تواند به عنوان مهم ترین خطر، برنامه های اساسی دولت را به چالش بگیرد، لذا دولت ناگزیر است برای رفع این خطر گام هایی استوارتر و عملی تر بردارد و به سان گذشته ها این خطر را دست کم نگیرد. به باور ما بهترین راهکار برای جلوگیری از حضور و فرونشاندن خشم این نیروها و سایر نیروهای خشونت طلب آن است که دولت وجامعهٔ جهانی از اجرای برنامه ها و تحرکاتی که حساسیت بر انگیز است و زمینه های خشونت وانتقامجویی را برای اپوزسیون مهیا می کند پرهیز نمایند.

حضور غیر قانون مند انجوها

اساسی ترین چالش در پیش روی نظام جدید و مهم ترین مانع بازسازی افغانستان وجود غیر قانون مند انجو ها و مؤسسات خارجی غیر حکومتی است. امروزه بیش از دو هزار مؤسسه و انجو در کشور زیر نام بازسازی و کمک به مردم افغانستان حضور دارد، و از کشور های کمک دهنده بودجه و پول می گیرند، اما در هیچ عرصه یی کار آنها مثمر و ملموس نیست، تا کنون بالاتر از پنج میلیارد دلار کمکها به وسیلهٔ همین انجوها و مؤسسات به مصرف رسیده است ولی محقق این است که به اندازهٔ این دلارهای مصرف شده در افغانستان بازسازی صورت نگرفته است و بیشترینه بودجهٔ این مؤسسات صرف اجرت خانه های زیبا، موتر های لوکس و معاش به اصطلاح متخصصان خارجی می گردد و پروژه های کاری آنها نیز تا دست چهارم و پنجم به حراج گذاشته می شود، و در این کار به گفتهٔ آقای دکتر رمضان بشردوست برخی از اعضای کابینهٔ دولت نیز دست دارند!!

بنا بر این اگر دولت طرفدار بازسازی کشور و از میان برداشتن موانع از سر راه تحقق خواسته های مردم خود هست، بایستی با این انجوها و وزرای انجوسالار تصفیه حساب کند و حضور مؤسسات غیر حکومتی اعم از خارجی و داخلی را قانون مند بسازد، در غیر آن همان مکتب خواهد بود و همان ملا.

دولت آینده در دید ...


فضل احمد جویا


شکریه نوابی


سیدحشمت بدخش

شکریه نوابی استاد دانشگاه کابل گفت:

احساس می کنم که مردم با خواست و ارادهٔ آزاد خود زعیم آیندهٔ خود را تعیین کردند.

رئیس دولت آیندهٔ افغانستان از همه اول تر باید به افغانستان دلسوز باشد و عدالت اجتماعی را مراعات نماید. همچنان صلح و امنیت را به معنی واقعی آن تأمین نماید. سپردن کار به اهل آن از جمله اصولی است که اگر به آن توجه صورت نگیرد نمی توان افغانستان را آباد نمود.

استاد فضل احمد جویا رئیس دانشکدهٔ اقتصاد می گوید:

انتخابات تمثیل دموکراسی در حاکمیت دولتی افغانستان می باشد. در طی بیست وپنج سال جنگ تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خسارات جبران نا پذیری را متحمل شده است. پس به خاطر بیرون رفت از این ناهنجاری ها باید حاکمیت تفنگ و مداخلات خارجی از وطن قطع شود و برای ملت ما شانس داده شود تا در آبادانی و رفاه اجتماعی سهم گیرند.

به نظر من انتخابات ۱۸ میزان سال ۱۳۸۳ یک گام مثبت و بی نظیر در تاریخ افغانستان به شمار می رود.

خواسته های مردم ما از رئیس جمهور آینده تأمین امنیت، تشکیل حاکمیت مرکزی، بازسازی و نوسازی می باشد که به خاطر رسیدن به این اهداف به یک کابینهٔ متخصص و کار آگاه نیاز است تا بتواند در جلب و جذب کمک های مؤسسات بین المللی و تشویق سکتور خصوصی در نظام آیندهٔ کشور مطابق خواسته های مردم عمل نماید.

آقای بنوال استاد دانشگاه کابل می گوید:

انتخابات هژدهم میزان از ارزش خاصی برای افغانستان برخوردار می باشد. چون رئیس جمهور از طرف مردم انتخاب شده باید خدمتگار مردم باشد.

رئیس جمهوری باید نظری وسیع داشته باشد و به دور از تعصب عمل کند. او باید در پهلوی خود یک کابینهٔ متخصص و یک پارلمان قوی داشته باشد.

در پهلوی سایر موارد مانند وحدت ملی، عدالت اجتماعی و غیره باید توجه به معارف، رسیدگی به وضع معیشتی معلمان و استادان وبالا بردن کیفیت تحصیلات عالی را دولت در دستور کار خود قرار دهد.

استاد محمد کاظم آهنگ رئیس دانشکدهٔ ژورنالیزم دانشگاه کابل گفت:

خیلی جای خوشی است که انتخابات ریاست جمهوری برای اولین بار در کشور برگزار گردید و طوری که از جریان انتخابات معلوم شد این انتخابات در یک فضای تفاهم و آگاهی به پایان رسید.

شکی نیست که در این روند مشکلاتی وجود داشته است اما نه به آن سطحی که بسیار مهم جلوه داده شود. مردم افغانستان با در نظر داشت تمام معضله هایی که داشتند به نحوی از انحا به آگاهی و دانش سیاسی رسیده اند چنانچه دیده شد که زن و مرد در انتخابات شرکت کردند و رأی خود را به کاندیدای مطلوب خود دادند و در نهایت کار انتخابات به سلامتی انجام یافت. این تجربه برای جهانیان فهماند که مردم تعیین کنندهٔ سرنوشت خود هستند.

انجینیر سید حشمت بدخش یکی از فارغان دانشگاه کابل می گوید:

انتخابات یک گام مثبت بود هر فرد ملت افغانستان آرزوی همیشگی اش تأمین صلح و رعایت قانونیت و سپردن کار به اهل کار، بلند بردن سطح زندگی مردم از حیث مادی و معنوی می باشد که خدا کند دولت آینده از عهدهٔ این مسؤولیت ها موفق بدر آید.

گزارشگر: ملکیار

دولت آینده باید در چهارچوب قانون اساسی افغانستان ...

در صورت عدم موجودیت پارلمان به باور من دولت دچار بحران می شود مهم ترین پایهٔ مشروعیت برای نظام کنونی مردم سالار و دموکراتیک بودن آن، مطابق به ارزش های قانون اساسی است، پارلمان و مجزا بودن قوای سه گانه از یکدیگر وحفظ استقلالیت هرکدام از آنها بازهم از پایه های اساسی نظام کنونی مبتنی بر مفاد قانون اساسی افغانستان است.

اینها از مسائل بنیادی است که باید با چنین شمایل و سیما دولت آیندهٔ افغانستان خودش را بسازد و در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کارهایی لازم را باید انجام دهد.

مسأله یی دیگر که باید به صورت جدی رعایت شود، تبلور وحدت ملی در جامعه است. دولت باید وحدت ملی را به عنوان یک امر بسیار جدی هم برای دولت افغانستان وهم برای جامعهٔ افغانستان مطرح کند. به باور من وحدت ملی وقتی در افغانستان پایه می گیرد که از بالا به مداوای درد جانکاه آن در جامعهٔ افغانستان پرداخته شود و برای این کار دولت باید دو گونه تدبیر اساسی وبنیادی اتخاذ کند، از بالا با برنامه ریزی های بسیار دقیق، تمثیل اقوام در ادارات رهبری صورت بگیرد و از پایین کار فرهنگ سازی آغاز شود.

• جناب آقای کرزی گفته اند: من دولت مشارکت ملی را تشکیل می دهم وحکومت ائتلافی نمی خواهم.

□ به باور من این سخنی است که بانظام سیاسی کنونی افغانستان همخوانی دارد ما در افغانستان برمبنای قانون اساسی، دارای نظام ریاستی هستیم در نظام ریاستی جایی برای حکومت ائتلافی وجود ندارد، حکومت ائتلافی توسط احزابی که در استراتژی و مسائل اساسی باهم متحد می شوند تشکیل در پارلمان می گردد. هم چنان احزابی که گردهم می آیند از حکومتی، سلب اعتماد می کنند.

ما اکنون نظام ریاستی داریم که رئیس جمهور را مردم انتخاب می کنند بعد رئیس جمهور اعضای کابینه اش را انتخاب می کند و از پارلمان رأی اعتماد می گیرد.

• آقای کرزی گفته است که درآمد سرانهٔ مردم افغانستان را در دوران حکومت به ۵۰۰ دلار امریکایی بلند می برد، شما در این باره چه می گویید؟

□ این کار به نظر من در افغانستان ممکن است ولی برنامه ها و راه های عملی و درست آن را آنها در برنامه های اقتصادیی که از طریق برنامه های دولت آیندهٔ شان ارائه می کنند باید مشخص تر ارائه کنند، به باور من راه هایی وجود دارد که در آمد سالانهٔ افراد در جامعهٔ افغانستان افزایش پیدا کند و مدرکی مهمی که این دولت در اختیار دارد، همین کمک های خارجی است. اکنون افغانستان در بیشترین عرصه های بودجهٔ عادی و بودجهٔ توسعه یی خود متکی به کمک های بیرونی است و این کمک ها اگر قرار باشد به گونهٔ درست در بازسازی افغانستان به مصرف برسد ونیروی کاری افغانی به جای نیروی کاری خارجی وبیرونی استخدام شود، من باور دارم که شاید بیشتر مؤثر واقع شود اما نهادینه کردن موارد درآمد در افغانستان مربوط به این است که حکومت آینده را ببینیم چگونه در این عرصه ها برنامه می ریزد و عمل می کند و دولتمردان افغانستان چگونه از کمک ها بهره برداری می کنند و موارد توسعه در افغانستان مانند منابع برق، آب و... را چگونه رونق می دهند و تجارت افغانستان را چگونه توسعه می بخشند اینها مواردی در آمدساز است که متأسفانه در سال های جنگ و بحران در افغانستان همهٔ این نظام ها تقریباً از هم پاشیده است و ساختن این ها هم یکی از رسالت های دولت آیندهٔ آقای کرزی و چالش های آن است.

دولت باید وحدت ملی را به عنوان یک امر بسیار جدی هم برای دولت افغانستان وهم برای جامعهٔ افغانستان مطرح کند

اثبات حضور با ...

او با یکی دیگر از فرماندهان جهاد در قندهار بنام لالا ملنگ که وابسته به اتحاد اسلامی استاد سیاف بود، دوستی بسیار نزدیک داشت و شاید به این دلیل که هردو از سادات قندهار بودند این دوستی میان دو فرمانده از دو تنظیم جهادی جدا از هم را ممکن ساخته بود. لالا ملنگ یکبار توسط روسها دستگیر شد ولی در مقابل آزادی یک افسر روسی که به دست مجاهدین اسیر شده بود، تبادله گردید. او بعدا شهید شد و بخشی از جبههٔ وی به اکبر آغا پیوست و به این ترتیب، اکبر آغا قدرت بیشتر یافت.

اکبرآغا در آغاز تحریک طالبان به این تحریک پیوست اما او تا فرجام دولت طالبان از فرماندهان نامدار آنان نبود. اما او یک مزیت دیگر داشت. او با طیب آغا سکرتر خاص ملا محمد عمر و برادر لالا ملنگ به پاس دوستی برادرش دوست بود. طیب آغا با القاعده روابط نزدیک داشت.

اگر گروگانگیری واقعا کار همین گروه باشد این امکان بدور از احتمال نخواهد بود که نقش اصلی را در آن افرادی از القاعده بازی کرده باشند و در این صورت نقش شخص طیب آغا در آن به عنوان یک وسیط بدون اثر نبوده است.

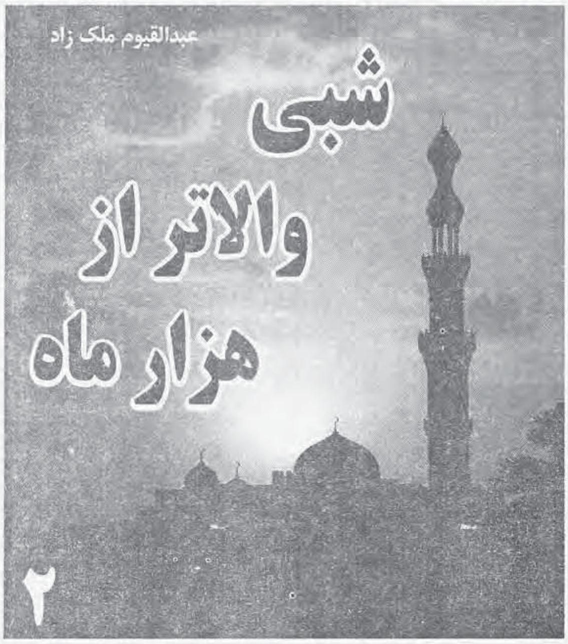
نکتهٔ دیگری که در این رابطه قابل دقت است، انتخاب زمان این گروگانگیری است. تدویر انتخابات موفقانهٔ ریاست جمهوری در افغانستان یک موفقیت برای جورج بوش بود که وقایع عراق موقف وی را در انتخابات ریاست جمهوری در امریکا تضعیف می نمود. اکنون نمایش چهرهٔ این گروگانها در صفحهٔ تلویزیون در سراسر جهان، شباهتی میان اقدامات مشابه در عراق را در افغانستان در اذهان تداعی می کند. سخنرانی اخیر اسامه بن لادن و ماجرای گروگانگیری در افغانستان را می توان اقدامات برنامه ریزی شده برای تأثیر گذاری بر انتخابات ریاست جمهوری در امریکا به ضرر بوش نیز دانست.

یک تأثیر دیگر این اقدام در صف پراکندهٔ طالبان نیز می تواند قابل دقت باشد. طوری که می دانیم اکنون طالبان به سه گروه تقسیم شده اند. یک گروه کوچک که با دولت همکاری دارد، یک گروه کوچک دیگر که درگیر جنگ است. اما گروه بزرگی از طالبان به صورت غیر فعال در پاکستان پناه گرفته اند که در انتظار اعلام عفو از جانب دولت اند. آنها به دولت اعتماد ندارند زیرا کسانی از آنان که برای مذاکره و تفاهم با دولت به کابل آمده بودند، دستگیر شدند. از آن جمله قوماندان نعیم کوچی و بعضی افراد دیگر که حتی به گوانتانامو هم فرستاده شدند.

انتخابات ریاست جمهوری در کشور و ناتوانی طالبان از ایجاد اخلال در آن، گروه غیرفعال طالبان را بیشتر تشویق به تفاهم نمود و بسیاری از آنان با دولت در تماس شدند. این کار موجب نگرانی شدید طالبان جنگ طلب و حامیان خارجی آنان است.

یک تأثیر این گروگانگیری می تواند این هدف طالبان جنگ طلب را برآورده سازد که راه تفاهم احتمالی را میان دولت و گروه غیرفعال طالبان مسدود سازد. در صف طالبان کسانی هم هستند که به این باور رسیده اند که دیگر طالبان، قدرت در خور اعتنایی نیستند و باید از خشونت دست برداشت و راه خود را از راه هواداران خشونت جدا کرد.

گروگانگیری می تواند نوعی اظهار وجود از جانب خشونت گرایان در برابر این نوع طرزفکر در میان طالبانی باشد که از خشونت خسته اند. گروگانگیری می تواند القای این نظر باشد که طالبان را نباید بخشی از گذشته به شمار آورد، آنها امروز هم در صحنه حضور دارند و هنوز هم به این پندارند که می توان به دست یافتن به قدرت از راه زور امیدوار بود.



در واپسین روزهای بودن با این مهمان عزیز هستیم

مهمانی که بر حذر داشتن از دنیا گرایی مطلوبش است، شکستن قلعهٔ خود محوری مقصودش است !، سیراب شدن از چشمهٔ جوشان فیض دساتیر و آرمانش است ، برهم ریختن سنگر عصیان گری، منظورش است! مهارساختن موج فتنه وفساد، پیغامش و تلاش در راه گزینش سجایای عالی، شعارش است ...!

وقتی که او آمد دیدیم حامل همهٔ فضایل است، سخنش همه از صمیمیت است، از پاکیزه گرایی است، از پابندی به عهد و وفاست، از شهامت است، از مردانگی است، و در یک کلمه از جهاد به مفهوم واقعی آن، او درهمه گام با ما بود، طبیب ما بود، انیس ما بود، مرشد ما بود و اندرکلیه احوال تأکیدی که بر ما داشت این بود که قاطعانه می خواست تا جز در مسیر صدق گامی فراپیش ننهیم وهمدمی غیر فضیلت نگزینیم.

●●●

آخرین روزهای مهمانی او با ماست، او مژده داشت که با آفتابی عظیم ما را در دل شب آشنا کند، آفتابی که همه قلب ها را در او شستشو دهیم، این مژده را از فرمانی بر می گیرند که خدا به بندگان روزه دارش وعده فرموده بود! "قدر"! آری جستن "قدر" در سینهٔ شب های طاقِ دههٔ سوم.

بیست و یک، یابیست و سه، یا بیست و پنج، یا بیست وهفت و یا بیست و نه!

خوشا قیام هایی مخلصانه در این شب ها، خوشا ریاضت، خوشا با نغمهٔ دلنواز و روح بخش قرآن کسب طمانینت کردن، خوشا به اخلاص سر به بارگاه خدا سودن و گریستن!

خوشا نماز ونیاز کسی که از سر درد به آب دیده وخون جگر طهارت کرد، از مزایای نیاز نیمه شبی در آغوش قدر است که گوهر مقصود فراچنگ می آید. پس گریه باید کرد، وخروشی عاجزانه برپا نمود و با خویش ارادتمندانه زمزمه باید کرد:

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نیاز نیمه شبی دفع صد بلا بکند
طبیب عشق مسیحا دمست ومشفق. لیک
چو درد درتو نبیند، دوا کی را بکند؟

●●●

شب قدر است وشگوفا گل خوشی! فرشته ها مهمانان پرهیزگارانند وشب زنده داران، وقدسیان سرگرم مجلس آرایی ومشغول باز کردن دروازه های بهشت تا عطر جان پرور آن ها، دماغ های روزه داران، بیاگنند.

آری! نسیم کوی جانان اینجا هزاران گلشنی را آفریده است که:

گل اینجا کارش از چیدن گذشته
چمن نوقانش از دیدن گذشته!

شب جشن است وسالگرد نزول کتاب هدایتگر خدا (قرآن) وامشب ملائک از گسترده شدن خوان فضل و سخاوت وثواب و نعمت های گوناگون برزاهدان غبطه می خورند.

زهی بر روزه داران، این صاحبان جوهر ایمان، مرحبا برخسروان خطهٔ تقوا که امشب را دوشادوش فرشتگان تا سحرگاه پاس می دارند.

چه فرخنده شبی وچه مبارک دقایقی، که هجده هزار عالم، در برابر عظمت خدا و به ستایش از الطاف بی پایانی که او برای آنها ارزانی داشته، سرتعظیم فرود می آرند.

شبی که آغاز تولدی نو از بطن رهنمایی است.

شبی که هر لمحه اش آیینهٔ عذر است و نیاز، شب ذکر وشب نیایش، نه تنها آدم که همه موجودات عالم، همه از صدق و صفا، دست حاجت به خداوند توانا ببرند.

"که رحیم است و کریم است و غفور است و ودود!"

آری همگی!

از ثری تا به ثریا به عبودیت او همه در ذکر ومناجات وقیامند وقعود، شبی که هیچ بندهٔ مخلصی وهیچ خواهنده یی از خوان کرمش را، نومیدی سراغ نگیرد!

کرمش نا متناهی و نعمائش بی پایان، هیچ خواهنده از این در نرود بی مقصود!

●●●

ای هموطن وای هم سرنوشت، خواب غفلت را امشب از دیده بدر، برای خودت، مردمت و وطنت وکلیه مسلمانان مظلوم جهان، دعابکن. دعا برای رهایی مظلومان از چنگ مصائب، از چنگ جنگ، از چنگ فقر و از چنگ هزاران بلایی که حیات وهستی آنان را به دست نابودی سپرده است ...!

●●●

شب قدر، چه شبی روح نواز و چه شبی جلوه فروز!

ای بنده در این شب، دامنش را تا سحرگه از کف مهل، زیرا، «دامنی کزدست نتوان داد، دامان «وی» است!»

ای انسان! عمر را پایانی نیست، توبه یی را که به جای آوردنش اکنون میسر است، به فردا میفگن، چون عمر نا پایدار است و مانده بر اشک بالای مژگان! چه بهتر که توبه در جوانیت دمسازاید که گفته اند:

رهٔ صلاح به دست آر در جوانی ها
که پیش پا به چراغ مزار نتوان دید

واگر پیریت رسید، مجال هم نشینی وهمراه بودنت با او در شک است، به قول صائب:

سفیدی مو بیان کم فرصتی عمر است، و واپسین لحظات زندگی آمیخته با دلهره یی است که انسان برای باز یافتن آن، باشک وتردید می زید!

موی سفید مشرق صبح ندامت است
صائب به توبه کوش که فرصت نمانده است!

●●●

ای انسان! دست نیایش بر افراز! زاری به بارگهٔ ذاتی بکن که او به تو نزدیک تر از رگ گردن تست! ذاتی که فرمود:

(ادعونی استجب لکم)

آری!

«اوست نزدیک تر از تست به تو
وین عجب بین که تو از وی دوری»

گریه کن که گریهٔ امشب را، فیض فراوان به بر است، گریه کن. زیرا:

"کارتو موقوف زاری دلست
بی تضرع کامیابی مشکل است
ز ابر گریان شاخ سبز و تر شود
نورشمع از گریه روشن تر شود!»

گریه کن، در برابر جلال وجبروتش سرتعظیم فرود آر!

«تازگریبان تو خورشید برآید.»

ناله سرکن. که گریستن حاصل خیر است وصلاح، زمزمه کن:

"کریما به رزق تو پرورده ایم
به انعام ولطف تو خو کرده ایم
عزیزی وخواری تو بخشی وبس
عزیز تو خواری نبیند زکس
خدایا به عزت که خوارم مکن
به ذل گنه شرمسارم مکن
مسلط مکن چون منی برسرم
ز دست توبه گرعقوبت برم
به گیتی نباشد بتر زین بدی
جفا بردن از دست همچون خودی
مرا شرمساری زروی تو بس
دگر شرمسارم مکن پیش کس
گرم برسر افتد زتو سایه یی
سپهرم بود کمترین سایه ای
اگر تاج بخشی سر افراز دم
تو بردار تاکس نیندازدم"

ای انسان! چه شرم آور است شبی که هفتاد هزار فرشته به امر خدا از آسمان فرود آیند و در جستجوی یافتن بندگان صالح و عابد خدا باشند و خانه های شب زنده داران را برای عرض سلام و ادای احترام وبشارت ومصافحه دق الباب کنند اما تو به خواب خفته باشی و از نعمت بزرگ آن وخیر نامتناهیش، محروم بمانی!

●●●

ای دل! این مشب پر برکت را دریاب! «قدر» ساعاتی بیش مهمان تو نیست، تاطلوع سپیده دم - که آرام آرام از رخصت شدن آن، تا سال دیگر خبر می دهد - به طاعت مخلصانه پرداز، به نیاز وعذر و التماس و التجا به سر ببر، سر به سجده بنه، سجدهٔ توبه، سجدهٔ شکر، سجدهٔ نیاز وسجدهٔ التجا و نیایش والتماس...! حاجتِ خویش طلب، گناه تو هرچند، افزون از شمار است. اما لطف وکرم حضرت حق، بیشتر از اوست، توشه بیندوز، توشه برای فردایت!

●●●

خدای من، ای کریم وای ذات یگانه!

دست های لرزان مان، که لرزنده تر از برگ بید در برابر صرصر، به بارگاه بی نیاز تو بالاست، رحمت فرما!

خدایا!

الهی؛ سخت بی برگم به ساز طاعت اندوزی
همین یک الله الله دارم، آنهم گر تو آموزی

ای ذاتی که لطف تو بی پایان وفضل تو وسیع است. زشتی ها وسیاهی های گناهانم را با آب رحمت وغفران و آمرزشت بشوی و چهرهٔ سیاه ما را با پردهٔ کرمت بپوش و برسر لغزش ها وخطاهای ما خط عفو درکش.

یارب! قیام وعبادات ما را خاص به رضای خودت بگردان تا به قول حبیبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گناهان مان آمرزیده شود وما به شکرانهٔ آن واحساس موفقیت در برابر آزمون بزرگی که فراپیش ما بود، عید بگیریم وجشنی به پا کنیم.

خدایا! از لطف بی نهایت خویش، ملت عظیم وسرزمین غرقه به خون ما را، از چنگ ستم وارهان.

یارب! روامبین که این قوم سربلند و دارای افتخارات بزرگ تاریخی، بیش از این مهجور ونالان وسرگردان گردند، ومحروم از نعمت بزرگ آزادی ورفاه... باشند و زندگان آغوش تبدارش، همه روزه در برابر چشمان اشک آلود عزیزان و وابستگان شان، از فقر و از ظلم وبی سرنوشتی و... جان بسپارند...! **آمین**

فیلم ویدیویی ربوده شدگان ...

بعد از ربوده شدن این سه تن، نیروهای امنیتی افغانستان ونیروهای آیساف کار جستجو جهت رد یابی این گروگان ها را آغاز نموده اند.

شخصی به نام سید اکبر آقا که خود را رهبر گروه جیش المسلمین معرفی نموده است در تماس تلفنی با دفتر بی بی سی در کابل گفته است که اگر برای حل مشکل گروگان ها مذاکره صورت نگیرد جان آنان به خطر خواهد افتاد.

گروه رباینده‌گان به خاطر ثبوت این ادعای خود فیلم ویدیویی را منتشر کرده اند که به گفتهٔ شبکهٔ تلویزیونی الجزیره، این فیلم به روز یکشنبه ۱۵ عقرب به دست آن شبکه افتاده است. دراین فیلم سه تن ربوده شده ها به چشم می خورند که ظاهراً سالم به نظر می رسند.

گروه آدم ربایان درازای نجات این سه نفر خواهان رهایی تمام زندانی های افغان تحت بازداشت نیروهای امریکایی درزندان های افغانستان وگوانتانامو شده اند. آنها تهدید نموده اند که اگر مقامات تا روز جمعه با آنها راه مذاکره رانگشایند یکی از این سه تن را به قتل خواهند رسانید. سخنگوی ملل متحد گفته است که ما درافغانستان به بازسازی خود ادامه خواهیم داد واین تهدید ها نمی توانند ما را ازبازسازی باز دارد.

شورای سرتاسری علمای افغانستان طی یک اعلامیه به روز سه شنبه، ۱۲ عقرب، این عمل گروگان گیری را غیر اسلامی خوانده واز آدم ربایان خواسته است که گروگان ها را آزاد نمایند.

واژه های سیاسی ...

اصل سوم - حکومت مردم یادموکراسی: این اصل از طریق نمایندگی یا رأی دادن می توانست صورت بگیرد وهر کس می تواند حق حاکمیت خود را منتقل کند.

اصل چهارم - برادری: این اصل از سه اصل بالا ناشی می شد، زیرا تمام دشمنی ها وعداوتها وخونریزی هایی که بین انسانها در جامعه وجود داشت به خاطر این بوده که این سه اصل متذکره وجود نداشته است . در جامعه یی که این سه اصل وجود داشته باشد دیگر هیچ انسان، دلیلی ندارد که نسبت به انسانی دیگر خصومت داشته باشد و در نتیجه در این جامعه برادری تحقق می یابد.

لیبرالیسم اقتصادی

بانی لیبرالیزم اقتصادی آدم اسمیت است. او در سال ۱۷۷۶ کتابی بنام ثروت ملل منتشر ساخت، وی اعتقاد داشت که بازار آزاد ورقابتی نابرابری را از بین خواهد برد.

لیبرال ها فکر می کردند که بهترین راه برای جامعه، همین آزادی اقتصادی است و یکی از عمده ترین مشخصه های لیبرالیسم هم همین اقتصاد بوده است:

این مقطع زمانی در اروپا با انقلاب صنعتی مصادف گردید وطبیعتاً پولداران ازاین فعالیت اقتصادی و آزادی استفاده کردند ورقبای خود را کنار زدند.

طولی نکشید که جامعهٔ لیبرالی ازاهداف اصلی خود منحرف شد وبه جای آزادی ، یک عدهٔ کوچک، بر سایر انسانها مسلط شد وبه جای برابری، دو طبقهٔ مختلف فقیر وثروت مند به وجود آمد. از این رو عده یی به این نتیجه رسیدند که لیبرالیسم اقتصادی با لیبرالیسم سیاسی تعارض دارد. این دو نمی توانند باهم باشند زیرا در این صورت آزادی وبرابری از بین می رود. بنابر این بایستی یکی از این دو را کنار گذاشت بر سر این مسأله لیبرال ها به دو گروه تقسیم شدند. گروهی که خواهان لیبرالیسم اقتصادی بودند، به بهای از دست دادن اصل برابری وعمده ساختن اصل آزادی معروف به لیبرال ها شدند.

گروه دیگری با قربانی کردن اصل آزادی وعمده ساختن اصل برابری معروف به سوسیالیست ها شدند.

بنا بر این لیبرالیسم وسوسیالیسم در اهداف هیچ فرقی ندارند فقط راه رسیدن به این اهداف فرق دارد یکی اعتقاد به بازار آزاد دارد و دیگری می گوید خیر.

پس اندیشهٔ لیبرالیسم معلول دنیای صنعتی و بن بست سایر اندیشه ها درغرب بود وسوسیالیزم نیز با بی کار گر شدن لیبرالیسم به وجود آمد. از همین رو گفته اند: «سوسیالیسم فرزند نامشروع سرمایه داری است.»

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً انان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ سی ام | چهارشنبه ۱۳ عقرب ۱۳۸۳ | ۲۰ رمضان المبارک ۱۴۲۵ - 3 November 2004

ابوبکر سبزوار

اثبات حضور با گروگانگیری!

چند روز پیش در یک ماجرای بی سابقه سه تن از کارمندان سازمان ملل متحد در کابل ربوده شدند. ربوده شدن این افراد که شامل دو زن و یک مرد است سوالات زیادی را در اذهان به وجود آورده است.

گروه رباینده که خود را جیش المسلمین خوانده است، یکی از گروه هایی است که پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان در پاکستان اعلام موجودیت نمود که در آن موقع این مسأله زیاد توجه برانگیز نبود. با این گروگانگیری بی سابقه اکنون این گروه و رهبر آن سید اکبر آغا در رسانه های خبری بر سر زبان ها افتاده است.

آنچه که در این جریان بسیار عجیب می نماید، شیوهٔ این گروگانگیری است. طالبان از نظر تاکتیک های رزمی هرگز در حدی نبوده اند که دست به عملیات پیچیده بزنند. آنها در جنگ های رویاروی نیز هرگز توان بهره گیری از شیوه های جدید رزمی را نداشته اند. موارد بسیاری از ساده اندیشی های طالبان در جلوگیری از اقدامات تخریب کارانه علیه خود شان را نیز می توان برشمرد به عنوان مثال فرار

آنچه که در این جریان بسیار عجیب می نماید، شیوهٔ این گروگانگیری است. طالبان از نظر تاکتیک های رزمی هرگز در حدی نبوده اند که دست به عملیات پیچیده بزنند

طیارهٔ باربری تاتارستان از میدان هوایی قندهار، فرار قوماندان اسماعیل خان از زندان آن ولایت و حتی بعد از یازدهم سپتامبر، در شرایطی که امریکا برای حمله به طالبان آمادگی می گرفت و لازم بود که آنان در حالت آماده باش کامل باشند، شب هنگام یک هلی کوپتر جبههٔ متحد به میدان هوایی کابل برزمین نشست و پس از فیر راکت و به آتش کشیدن یک طیاره به سلامت به هوا بلند شد و مجدداً به مرکز خود بازگشت. طالبان هنگام نزدیک شدن هلی کوپتر به [illegible]دان هوایی به این فکر بودند که [illegible] قصد تسلیم شدن به آنان را دارد و به همین دلیل هیچ اقدامی علیه آن به عمل نیاوردند!

اکبر آغا که از وی به عنوان فرد نخست جیش المسلمین نام برده می شود، از فرماندهان دوران جهاد است که وابسته به حزب اسلامی مرحوم مولوی محمد یونس خالص بود ص۶

از نامه های آمده

مسؤولان برق کابل واستقبال از رمضان

بنا بر هدایت اسلامی و آموزه های دینی، بایست دروازه های نیکویی و خیرخواهی وهمیاری مسلمانان بر روی یکدیگر، در هر وقت مخصوصاً در ماه مبارک رمضان گشوده باشد، و از همین جهت است که در هر گوشه یی از دنیای اسلام، ملت ها و دولت ها هر کدام به سهم خویش می کوشند که به هر نحو ممکن در استقبال از رمضان برای مسلمانان خدمت بکنند و دست بیچارگان را بگیرند. حکومت ها تلاش شان بر این است که در موسم رمضان سهولت های لازم را برای شهروندان خود فراهم نمایند تا آنان به بهترین وجه، از فرصت های خوب این ماه بهره برداری کنند.

اما با صد درد و دریغ که در افغانستان قضیه برعکس است!! در ماه رمضان دولت به آنچه که وعده می دهد یک در صد عمل نمی کند، مسؤولان برق کابل در آستانهٔ رمضان تعهد سپرده بودند که جهت ایجاد سهولت برای همشهریان کابل در ماه رمضان بر کیفیت خدمات برق رسانی می افرایند، ولی انان نه تنها بر کیفیت این کار در خلال این ماه نیفزودند بلکه برخلاف، وعدهٔ خود از کیفیت آن کاستند، یکروز نشد که جریان برق به گونه یی عادی، و خالی از نقیصه از شام تا بام تداوم یابد، بیشترینه در وقت افطار وصرفه‌نان شب و به همین گونه هنگام سحری و وقت نماز صبح، جریان برق قطع می شود و مردم در اوقات ضرورت نمی توانند از روشنی آن استفاده کنند.

امیدوارم مسؤولان بالایی وزارت محترم آب و برق به این مسألهٔ مهم توجه جدی کنند و به مراکز توزیع برق هدایت فرمایند تا دست کم در همین ماه مبارک از چنین بی حرمتی ها دست برداشته و با توزیع عادلانه وعادی جریان برق از این مهمان خداوندی پذیرایی نمایند.

با احترام

فرزاد از شهر نو کابل

شیخ زاید بن سلطان آل نهیان ...

آنها او را پدر امارات می خوانند چون او در کشورشان تغییرات سیاسی و اقتصادی غیر قابل تصوری ایجاد کرد و اکنون می دانند که با مرگ او، در زندگی خویش چه گونه کمبود احساس می کنند. شیخ زاید در سال ۱۹۱۸ میلادی در ابوظبی به دنیا آمد و در جوانی زندگی صحرایی و قبیله یی را آموخت. او در سال ۱۹۶۶ به عنوان حاکم ابوظبی جانشین برادرش تعیین شد و با استفاده از درآمد حاصل از نفت، در مقیاسی وسیع اقدام به احداث مکتب، شفاخانه، مسکن و جاده کرد. شیخ زاید به برقراری روابط نزدیک میان ابوظبی و امارت های همسایهٔ آن و در نهایت، به تأسیس امارات متحدهٔ عربی در دسامبر سال ۱۹۷۱میلادی کمک کرد و خود، رئیس آن شد. امارات متحدهٔ عربی در جنوب خلیج فارس واقع شده و از هفت امیر نشین ابوظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام القوین، رأس الخیمه و فجیره تشکیل شده است. شیخ زاید از زمان تشکیل امارات متحدهٔ عربی ریاست آن را بر عهده داشت و از آن تاریخ تا کنون هر پنج سال یک بار مجدداً به این سمت انتخاب می شد

که سترګي ترې خداې واخيستې

ژوند ئې تا سو سم کړئ

پامیر

په افغانستان کي د تيرو دوو نيمو لسيزو دوامدارو او کور ورانوونکو جګړو له امله، نن څه ناڅه دوه مليونه انسانان معيوب او معلول شوي دي. په دغو معلولينو کي د ړوند شمير هم څه کم نه دي، چي بايد دهغوي له پاره د ژوند ښه شرايط برابر شي. که دجوړيدو وړوي روغتونونوته معرفي شي او تر معالجي لاندي ونيول شي او که لږ شانته ئي د سترګو نورله لاسه ورکړي وي، هغوي بايد په کارونو وګمارل شي. د داسي کسانو له انرژي څخه د کار اخيستلو لپاره د ړوندو موءسسي جوړي شي، کار او کسب ور زده کړي شي. ترڅو هغوي د خپلي تولني داوړو پيتي نه اوسي، حلاله ډودی وګټي او دخپلو بچيانو د روزني او پالني امکانات برابر کړي.

په بهرنی نړي کي د ړوندو د ژوند دښه والي لپاره له زياتو امکاناتو څخه ګټه اخيستل کيږي، دهغوي له پاره نژدي 40 کاله مخکي يو قانون جوړ شوي او هر کال ددغه قانون له مخي د ميزان په 24 نيټه د ړوندو ورځ نمانځل کيږي. چي دغوندو په ترڅ کي دهغوي د ژوند ستونزي او نيمګړتياوي څيړل کيږي. د ړوندو په قانون کي چي په 1983 کال د ړوندو د نړيوال فدراسيون له خوا په رسميت وپيژندل شو او د زياترو دولتونو له خوائي ملاتړ وشو په هغه کي ويل شوي دي.

ړانده حق لري په ټولنه کي له ټولو معمولو امکاناتو څخه ګټه واخلي، کوم شخص يا سازمان چي د دغه راز امکاناتو په استفاده کي ړوندو ته ستونزي پيدا کړي او ياني په حقوقو سترګي پټي کړي مجرم شميرل کيږي. دولتونه دنده لري ړانده دي ته وهڅوي چي په ټولو اقتصادي او ټولنيزو چاروکي برخه واخلي او يو مناسب کار ورته وسپارل شي.

دغه راز په قانون کي ويل شوي چي د ليږدوونکو وسايطو چلوونکي مکلف دي له ړندو سره له يوځاي نه د بل ځاي په ليږدولوکي مرسته وکړي. ړانده حق لري چي د ژوند له ټولو اسانتياو څخه برخمن وي، دسيل ځايونو په ورتګ، موټرو ته په اوختيدو، مذهبي او فرهنګي ځايونوته په ورتګ ئي پابندی ونه لګول شي.

دولتي مسوولين بايد د اکتوبر 15 يا دميزان 24 نيټه د ړوندو دخاصي ورځي په نامه ولمانځي او په دغه ورځ ورسره بشري خيريه مرستي وشي او خلک دي ته وهڅول شي چي له هغوي سره خپلو مادي او معنوي مرستوته دوام ورکړي.

د نړيوالي احصائي له مخي په نړی کي نژدي 45 مليونه ړانده ژوند کوي چي د ټولي نړی دنفوسو په سلو کي 7% جوړوي او کله که داسي کسان ورسره يوځاي کړو چي د ړوندوالي له خطر سره مخامخ دي نو مجموعي شمير ئي 170 مليونو تنوته رسيږي چي نژدي په سلو کي اتياتنه ئي په وروسته پاتي هيوادو کي ژوند کوي.

زموږ په هيواد کي دلومړي ځل لپاره د ړوندو ورځ سږ کال ولمانځل شوه خو د راتلونکي سياسي نظام له اړوند مقام څخه زموږ هيله داده چي ړوندوته لکه د نړی دنورو هيوادو په څير پام واړوي، دهغوي د ژوند د ښه والي لپاره دخپلو دوستو هيوادو دخيريه موسسو په مرسته د ړوندو د روزني او پالني لپاره روزنځايونه جوړ کړي او هغه کسان چي ځوانان دي دهغوي له انرژي او استعداد څخه د کار اخيستلو لپاره زمينه برابره کړي پري نږدي چي زموږ دغه ورونه د ټولني د اوږو بارشي او دسوال او خيرات لپاره بازارونوته لاړ شي.

همدارنګه هيله من يوو چي دهيواد د ټولو معيوبينو او معلولينو د ژوند د ښه کيدو په خاطر د اړوندو ارګانونوله خوا پلان شوي پروګرامونه طرحه شي. دهغوي له پاره په خپل وخت دتقاعد او ځينو ضروري موادو کوپون ورکړي شي دهغوي د بچيانو د روزني له پاره ځانګړي ښوونځي او روغتيا ځای جوړ شي. دهغوي لپاره د سرپناه او داستوګني کورونه برابر شي. داټول د دوي حق دي چي زموږ راتلونکي ولسواکه دولت ئي بايد په پام کي ونيسي او پري نږدي چي زموږ دټولني دغه درديدلي او ځوريدلي هيوادوال نورهم پسي وځوريږي او له کړاو نه ډک ژوند وکړي.